



فروش اموال همسر پس از قتل زن جوان



کامران علمدهی - مرد جوانی که پس از قتل همسرش وی را در یک خانه روستایی دفن کرده و اموالش را با سندسازی به فروش رسانده بود در حالی با تأیید حکم قصاص از سوی قضاات دیوان عالی کشور به چوبه دار نزدیک شده که مادرزنش این بار از وی به اتهام فروش اموال دخترش شکایت کرده است.

رسیدگی به این پرونده از دهم دی‌ماه سال ۹۳ با شکایت زن میانسانی که مدعی بود دخترش ناپدید شده، آغاز شد. وی در تشریح ماجرا به مأموران گفت: از دختر ۳۰ ساله‌ام به نام مرجان دو ماه است که بی‌خبرم، آخرین باری که دخترم را دیدم با او و شوهرش محمود برای فروش خانه‌ای که ۳ دانگ آن به نام من بود و ۳ دانگ آن به نام دخترم به یک بنگاه رفته بودیم، اما من با دامادم درگیر شدم و آنها رفتند و پس از آن هم دیگر دخترم را ندیدم. هربار هم که از همسرش محمود پیگیر دخترم می‌شوم جواب درستی نمی‌دهد. حالا هم مدعی شده که ۲ ماه پیش او را طلاق داده و خبری ندارد.

در دادگاه چه گذشت

وقتی متهم پای میز محاکمه رفت مادر مقتول برای دامادش درخواست قصاص کرد. سپس محمود به جایگاه رفت و گفت: من اتهامم را قبول دارم اما عمدی در کارم نبود و قتل همسرم یک اتفاق بود. در پایان جلسه قضاات وارد شور شدند و با توجه به مدارک موجود در پرونده محمود را به قصاص محکوم کردند. این حکم در دیوان عالی کشور نیز تأیید و قطعی شد. در این میان بار دیگر مادر مقتول با طرح شکایتی خواستار رسیدگی به اتهام‌های دیگر داماد سابقش شد. پس از آن مأموران با تحقیقات دقیق‌تر متوجه شدند که فروش اموال مقتول با اسناد جعلی از سوی متهم و با همدستی چند فرد دیگر صورت گرفته است. این در

اعترافات داماد جنایتکار

۹ ماه پس از این شکایت در حالی که پلیس هیچ ردی از زن جوان پیدا نکرده بود، مشخص شد که خودروی پژو ۲۰۶ مرجان از سوی محمود فروخته شده است. مأموران در بررسی‌های نامحسوس پی بردند که در همین بازه زمانی آپارتمان و ویلای او نیز به صورت وکالتی معامله شده است.

به این ترتیب محمود بازداشت شد و به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: من و مرجان از زمانی که با هم ازدواج

جنایت در دفتر وکالت



همزمان با قتل وکیل دادگستری در دفتر کارش ردیابی‌ها برای شناسایی عامل این جنایت آغاز شد.

حسین جعفریانی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی شهرستان نیشابور در این باره گفت: شامگاه دوشنبه ۱۴ فروردین زن جوانی در تماس با پلیس از زخمی شدن همسرش در محل کارش خبر داد. به دنبال اعلام مصدوم شدن شدید این مرد ۴۳ ساله که وکیل دادگستری بود بلافاصله مأموران کلانتری ۱۱ طالقانی به همراه کارآگاهان دایره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی و بازپرس ویژه قتل در محل حاضر شدند.

وی با بیان اینکه مرد جوان پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد، بیان کرد: در بررسی‌های ابتدایی مشخص شد این وکیل که مهدی عمارلویی نام داشت در حالی که دفتر کارش حوالی میدان امام خمینی نیشابور حضور داشته از سوی فرد یا افرادی با هدفی نامعلوم مورد اصابت ضربه‌های کارد از ناحیه سر و صورت قرار گرفته بود. معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی شهرستان نیشابور عنوان کرد: با تأیید قتل از سوی پزشکی قانونی، تحقیقات تخصصی و فنی با دستورات مرجع قضایی آغاز شد که با توجه به کشف سرنخ‌هایی تحقیقات و تلاش برای شناسایی و دستگیری متهم به قتل ادامه دارد.

دکتر شورورزی رئیس اورژانس نیشابور نیز در این باره گفت: طی تماس تلفنی از طرف همسر این وکیل مبنی بر اینکه مصدوم بر اثر جراحت وضعیت مناسبی ندارد در محل حاضر شدیم. در زمان رسیدن نیروهای اورژانس هنوز علائم هوشیاری وجود داشت، اما در پی انتقال وی به بیمارستان به علت خونریزی زیاد فوت کردند. علت آسیب‌های وارده و عامل دقیق فوت مصدوم مشخص نیست، و مراجع مربوط و پزشکی قانونی باید در این باره اظهار نظر کنند.

ماجرای فرار دختر تیزهوش از دست مادر افسرده

دختر نوجوان که بعد از مرگ پدر و افسردگی شدید مادرش از خانه فرار کرده بود با تلاش کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران پیدا شد. اواخر اسفند سال گذشته خانواده‌ای با مراجعه به پلیس شه‌ریار از ناپدید شدن دختر ۱۶ ساله‌شان خبر دادند. پس از آنکه پرونده با نیابت قضایی از شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان شه‌ریار به دادسرای امور جنایی تهران رفت به دستور بازپرس شعبه دهم این دادسرا برای کشف در اختیار اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. مادر این دختر به کارآگاهان گفت: همسرم کارگر تأسیسات بود اما شش ماه قبل به دلیل برق گرفتگی، در محل کارش فوت کرد و مرا با پسر ۱۰ ساله و دختر ۱۶ ساله‌ام تنها گذاشت. به خاطر علاقه شدیدی که میان من و همسرم وجود داشت، دچار افسردگی شدیدی شدم و همین موضوع باعث شد تا با دخترم دچار اختلاف شده و طی این مدت به بهانه‌های مختلف با هم درگیری داشته باشیم تا اینکه یک روز با دخترم مشاجره لفظی پیدا کردم و او هم با قهر خانه را ترک کرد.

در ادامه بررسی‌ها از آنجا که وی در یکی از مدارس تیزهوشان تحصیل می‌کرد کارآگاهان با پرس‌وجو از دوستان و همکلاسی‌های وی دریافتند یکی از دوستان نزدیک این دختر سال گذشته به همراه خانواده اش به شهر قزوین نقل مکان کرده است. بنابراین کارآگاهان با نیابت قضایی به شهرستان قزوین و خانه مورد نظر رفتند اما این خانواده ضمن تأیید اینکه دختر نوجوان یک هفته در خانه آنها بوده است اظهار داشتند وقتی او متوجه شده پلیس به دنبال اوست بدون اطلاع از خانه آنها خارج شده است.

کارآگاهان در ادامه تحقیقات اطلاع پیدا کردند که دختر دانش آموز به تهران برگشته است. بنابراین ردیابی‌ها در تهران ادامه یافت و مشخص شد او مدتی را در یک خوابگاه شبانه روزی ویژه بانوان سپری کرده و سپس به عنوان پرستار یک خانم ۸۰ ساله در منطقه امیرآباد مشغول به کار شده است که بلافاصله تیمی از کارآگاهان به محل سکونت این خانم مراجعه کردند و سرانجام موفق به پیدا کردن دختر ۱۶ ساله شدند.

سرهنک کارآگاه مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: با توجه به خودداری دختر جوان از بازگشت نزد مادرش با هماهنگی قضایی، با توجه به حضانت قانونی خانواده پدری، این دختر در اختیار خانواده پدری قرار داده شد و مادر وی نیز برای درمان به مراکز مشاوره معرفی شد.

دعوی در دسر ساز زوج سارق



به خاطر همسرم از بس که می‌گفت فلانی سرویس طلا دارد و من ندارم، می‌های خانه فلانی گرانقیمت است و... من یک کارمند ساده بدم اما همسرم آرمیتا این موضوع را قبول نمی‌کرد. آخر سر هم خودش ایده سرقت را مطرح کرد، گفت با این روش کلی پولدار می‌شویم.

نقشه چه بود؟

با همسرم سراغ خانه‌های ویلایی می‌رفتیم، آرمیتا به عنوان فرد خیر زنگ خانه‌ها را می‌زد و من هم در کمین می‌نشستم. زمانی که در باز می‌شد با تهدید اسلحه وارد خانه شده و سرقت می‌کردیم. اسلحه را از یک اسباب‌بازی فروشی خریدم.

چرا با همسرت دعوا می‌کردی؟

من می‌خواستم طلاهای مسروقه را بفروشم اما همسرم به من اعتماد نداشت، تصور می‌کرد پول طلاها را برای خودم برمی‌دارم. به همین دلیل دعوی‌امان شد و در نهایت هم گیر افتادیم.

باز کردم مرد جوانی با اسلحه تهدیدم کرد و بعد همراه یک زن وارد خانه شد و طلا، پول و دلاری را که داخل خانه بود به سرقت بردند. در حالی که تحقیقات برای دستگیری سارقان ادامه داشت، کارآگاهان با دومین شکایت سرقت به همان شیوه و در همان محدوده مواجه شدند. با توجه به اینکه سرقت‌ها در شمال تهران رخ می‌داد، مشخصات زوج جوان به کلیه واحدهای پلیس اعلام شد. چند روزی از این سرقت‌ها گذشته بود که مأموران گشت پلیس، متوجه درگیری شدید زوج جوانی داخل خودروی پژو شدند. برای بررسی موضوع، مأموران سراغ سرنشینان خودروی پژو رفتند که زن جوان مدعی شد همسرش سارق مسلح است و تا به حال دو سرقت نیز مرتکب شده است. مأموران در بازرسی از خودرو یک اسلحه قلابی کشف کردند. زوج جوان نیز در بازجویی‌ها به سرقت از دو خانه ویلایی اعتراف کردند.

گفت‌وگو با سارق

چرا سرقت می‌کردی؟

دعوا بر سر فروش طلاهای سرقتی، زوج سارق را که با اسلحه قلابی از خانه‌های ویلایی سرقت می‌کردند به دام انداخت. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، مدتی قبل مرد میانسانی هراسان با پلیس تماس گرفت و از سرقت مسلحانه خانه‌اش خبر داد و گفت: ساکن خانه‌های ویلایی در شمال تهران هستم. امروز زن جوانی زنگ خانه را زد و مدعی شد برای کمک به افراد نیازمند و خرید لباس نو برای کودکان بی‌سروپرست پول جمع می‌کند. مقابل در رفتم تا به او پول بدهم اما تا در را

آتش در کارخانه الکترواستیل مهار شد



پس از ۵ ساعت عملیات نفسگیر سرانجام این حریق از شرایط خطر خارج شد و از وقوع انفجارهای احتمالی مخازن مواد شیمیایی در داخل این کارخانه جلوگیری به عمل آمد. معاون عملیات آتش نشانی مشهد خاطرنشان کرد: این حریق هیچ گونه تلفات جانی و مصدوم نداشته و علت دقیق حادثه پس از بررسی‌های کارشناسان مربوطه، اعلام می‌شود. همچنین محسن داوری، فرماندار مشهد ضمن قدردانی از تلاش نیروهای امدادی و آتش‌نشانان گفت: پس از اتمام عملیات اطفای حریق بررسی علت بروز آتش سوزی در دستور کار قرار خواهد گرفت.

آتش سوزی گسترده کارخانه بزرگ «الکترواستیل» در عملیات نفسگیر ۱۵۰ آتش نشان مشهدی پس از ۵ ساعت مهار شد. آتشپاد دوم مهدی رضایی معاون عملیات آتش نشانی مشهد درباره این حادثه گفت: صبح سه شبه خبر آتش سوزی در انبار کارخانه الکترواستیل در جاده قوچان به امدادگرا اعلام شد و با توجه به گستردگی و توسعه آتش بلافاصله بیش از ۱۵۰ آتش نشان با ۶۰ خودروی عملیاتی سبک و سنگین و خودروهای بیل مکانیکی آتش نشانی مشهد و همچنین ۳۰ دستگاه تانکر آبرسانی شهرداری برای پشتیبانی به محل اعزام شدند. با تلاش آتش نشانان

اختلاف ۲ برادر با مرگ پایان یافت

مرد میانسال وقتی برای پس گرفتن خودرواش، راهی خانه برادر خود شد هرگز تصور نمی‌کرد که مرگ او را رقم بزند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز یکشنبه ششم فروردین امسال گزارش مرگ مشکوک مرد میانسانی از سوی مأموران کلانتری ۱۶۹ مشیریه به بازپرس محمد مهدی برعه اعلام شد. به دنبال این خبر، تیمی از کارآگاهان جنایی راهی محل شدند. در بررسی‌های اولیه، آثار ضرب و جرح با چوب روی بدن مرد ۶۰ ساله به چشم می‌خورد اما متخصصان پزشکی قانونی علت اولیه مرگ را سکنه اعلام کردند.

در تحقیقات میدانی مشخص شد مرد میانسال با برادر کوچکتر خود در محله مشیریه درگیر شده و در جریان این درگیری جان خود را از دست داده است. بدین ترتیب دستور بازداشت برادر کوچکتر به نام رحیم صادر شد. وقتی تیم جنایی موفق شدند رحیم را دستگیر کنند مرد میانسال در تحقیقات اولیه به درگیری با برادرش اعتراف کرد و گفت: من قصد کشتن برادرم را نداشتم و ضربه‌هایی که زدم نیز کشنده نبود. ما ۴ سال قبل خودروی پیکانی به صورت شراکتی خریدیم که سهم بیشتر آن را من پرداخت کردم و خودرو هم به نام من بود. برادرم با ماشین کار می‌کرد و هر چه از این کار بدست می‌آورد پس از کسر دستمزد و سهم خودش، مابقی را به من می‌داد. اما مدتی بود که دیگر به من پولی پرداخت نکرده بود و خودرو را هم برنمی‌گرداند.

او ادامه داد: از طرفی مدتی قبل برای دخترم خواستگار خوبی پیدا شد اما برادرم با این ازدواج مخالفت می‌کرد و می‌گفت که دخترت باید با پسر من ازدواج کند، درحالی که نه من و نه دخترم با این ازدواج موافق نبودیم. روز حادثه برای گرفتن خودرو به خانه برادرم رفتم و گفتم می‌خواهم ماشین را با خودم ببرم. حتی زنگ زدم جرتقیل بباید، سر همین مسأله با هم دعوی‌امان شد و او را تنگ زدم و زمانی که برادرم روی زمین افتاد آنجا را ترک کردم. هرگز تصور نمی‌کردم که درگیری ما باعث سکنه برادرم شده باشد. به دنبال اعتراف مرد میانسال به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران، متهم در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.